

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۲

## مفهوم و کارکرد دین در سپهر حقوق عمومی از دیدگاه علامه طباطبائی (ره)

۱۳۷

فصلنامه مطالعات حقوق  
دولت اسلامی

مفهوم و کارکرد دین در سپهر حقوق عمومی از دیدگاه علامه طباطبائی (ره)

محسن اسماعیلی، سید محمد مهدی غمامی

محسن اسماعیلی<sup>۱</sup>

سید محمد مهدی غمامی<sup>۲\*</sup>

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.  
۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

پرستش به مستی است در کیش مهر  
برونند زین جرگه هشیارها

### چکیده

سؤال جدی در حقوق عمومی دین محور این است که دین چه کارکردی می‌تواند در حوزه حقوق عمومی داشته باشد. به نظر می‌رسد در میان ادیان منحصرأ دین اسلام دارای تئوری «دین به مثابه روش زندگی» است، به این ترتیب که دین آموزه‌ها و قواعد و ارشاداتی را برای انسان، جامعه و دولت ارائه می‌دهد تا زندگی انسان را سامان و سازمان دهد. علامه طباطبائی به عنوان یکی از مهمترین متکلمین متأخر، از دین تعریفی جامع و کاربردی را در دوران متصل به انقلاب اسلامی را ارائه داد که بر آن اساس کارکرد تأمین «سعادت» را از دین معرفی نمود. این مقاله به بررسی این کارکرد از نگاه علامه در ارتباط با حقوق عمومی می‌پردازد.

**کلیدواژه‌ها:** دین، سعادت، دولت، انسان، جامعه، حقوق عمومی.

Email: m.ghmamai@gmail.com

\*۲- نویسنده مسئول:

## مقدمه

این که گوهر دین و آورده دین برای انسان چیست که منحصر به آن بوده و از طریق دیگری کسب آن ممکن نیست و یا حداقل آن که به زودی و به آسانی قابل دسترسی از سایر طرق نیست، اندیشمندان نظرات متفاوتی دارند. این نظریات در حوزه دین‌شناسی و علم کلام جایگاه بنیادی دارند و توضیح این کارکرد در ارتباط با انسان، جامعه و دولت، چه به صورت کارکرد ذاتی و چه عرضی کارکرد عرضی دین، بر نقش دین در حوزه حقوق عمومی متمرکز می‌گردد. علامه طباطبایی نیز به عنوان یک متکلم اسلامی، از دین نقشی ارائه می‌دهد که انسان را به صورت فردی و اجتماعی و تحت تابعیت دولت به «سعادت» می‌رساند. نتیجه رأی و نظر علامه در شکل‌گیری جمهوری اسلامی و تصریح آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی بسیار قابل توجه است، این نظر توسط شاگردان علامه نیز همانند شهید استاد مطهری نیز تبیین شده و جایگاه استوار و محکمی پیدا کرده است. برای مثال اصل یک‌صد و پنجاه و چهارم مقرر می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»

در این مقاله با نگاهی به زندگی و آثار علامه، به کارکرد دین در حوزه حقوق عمومی در زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌پردازیم و غایت دین برای سعادت انسان را در هر دو عرصه بررسی می‌نماییم. با تأکید بر این نکته که این سعادت تنها از مسیر و با ابزار دین بر حق یعنی اسلام متحقق می‌گردد و سایر ادیان و مکاتب توانایی تأمین این غایت را برای انسان در هر دو حوزه مذکور را ندارد.

## گذری کوتاه بر زندگی و آثار علامه

در آخرین روز سال ۱۳۲۱ هجری قمری (مقارن با سال ۱۲۸۱ هجری شمسی) علامه در شهر تبریز و در خانواده سید محمد قاضی طباطبایی متولد شد. پنج سال از عمر سید محمدحسین نگذشته بود که مادرش را از دست داد و چهار سال بعد، وی درگذشت پدر را تجربه کرد. (بوستان کتاب، ۱۳۸۱: ۳۹)

ایشان پس از طی دوران تحصیل در مکتب‌خانه، راهی مدرسه طالبیه تبریز شد تا تحصیلات خود را در علوم دینی دنبال کند. سید محمدحسین و برادرش سید محمدحسن در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی تحصیلات مقدماتی را در مدرسه طالبیه تبریز به پایان رساندند. ولی این مقدار تحصیل ایشان را اقصاع نکرد و دو برادر را مصمم به سفر نجف نمود. (همان: ۴۰)

علامه سال‌ها در نجف ماند و به مطالعه و تحقیق پرداخت. اما وضع مالی نابسامان علامه را مجبور به بازگشت به وطن (شادآباد تبریز) ساخت. وی تا ۱۰ سال در وطن خویش ماندند. اما اشتیاق علم‌آموزی وی را روانه قم ساخت. (همان)

علامه طباطبایی، در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی نگارش تفسیرالمیزان، اثر بزرگ خویش را آغاز کرد و ۱۷ سال طول کشید تا آن را به پایان برساند؛ اثری جالب و دلنشین که به شاهکار وی معروف می‌باشد.

یکی از اثرات ماندگار علامه، مباحثات وی با پروفسور هانری کُربن استاد دانشگاه و اسلام‌شناس غربی بود. مباحثه بین پروفسور کُربن و علامه طباطبایی از سال ۱۳۳۶ هجری شمسی شروع شد و بیش از ۲۰ سال ادامه پیدا کرد که نتایج این مباحثات به چهار زبان فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی منتشر شده است. روزی علامه در بین صحبت‌هایش به پروفسور گفت: «... در اسلام هر وقت انسان حالی پیدا کند، می‌تواند خدا را بخواند. چون همه مکان‌ها بدون استثناء محل عبادت است. اما در دین مسیح این‌طور نیست. عبادت حتماً باید در وقت

معینی (روز یکشنبه) و در مکان معینی (کلیسا) انجام شود؛ در غیر این صورت باطل است. او باید تا روز یکشنبه که کلیسا باز می‌شود صبر کند. «پروفسور کرین جواب داد: «بلی، این اشکال در دین مسیح وجود دارد.» علامه طباطبایی ادامه داد: «هم‌چنین در دین مسیح خدا اسماء حسنا ندارد و جز الفاظ خدا، اله و رب نام دیگری ندارد.»

علامه سید محمدحسین طباطبایی بعد گذران عمری کاملاً زاهدانه و عالمانه در ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۶۰ هجری شمسی از این عالم خاکی رخت بر بست. مهمترین آثار علامه طباطبایی که همگی بر تحلیلی عقلی و فلسفی از موضوعات دینی جمع می‌گردد عبارتند از:

تفسیرالمیزان: این کتاب حاصل بیست سال کوشش و پشتکار مرحوم علامه است. دایره‌المعارفی گران‌بها و دربردارنده بحث‌های فلسفی، اجتماعی، روایی، اعتقادی، تاریخی و ... با تکیه بر آیات قرآن کریم است.

بدایه الحکمه: کتابی است بسیار مفید و حائز اهمیت که به منظور یک دوره تدریس فشرده فلسفه برای دوستان علوم عقلی در مدرسه حقانی قم و به درخواست شهید قدوسی تدوین شد. در این کتاب همچون نهاییه از متون درسی حوزه و برخی دانشگاه‌های کشور قرار گرفته است.

نهاییه الحکمه: این اثر برای تدریس فلسفه با توضیحی بیشتر و عمقی افزون‌تر و سطحی عالی‌تر تدوین شد.

اصول فلسفه و روش رئالیسم: بینش علامه و شناخت مقتضیات زمان و مکان باعث نگارش این اثر نفیس شد. مباحثی که در آن روز ماتریالیست‌ها و مادیون مطرح می‌کردند تا با انحراف اندیشه جوانان، کویری بی‌حاصل از پهنه وجود آدمیان به وجود آورند موجب شد مرحوم علامه طباطبایی قلم به دست بگیرد، اثری گرانقدر و روشنی‌آفرین برای همیشه پدید آورد.

شیعه در اسلام: در این اثر گران‌بها کیفیت پیدایش شیعه، انشعابات آن،

اعتقادات شیعه دوازده امامی، توحید، نبوت، معاد و امام‌شناسی بحث شده و در پایان پیرامون تاریخ زندگی دوازده امام(ع) و ظهور امام عصر، حضرت مهدی(عج) به اختصار نکات بسیار مفیدی بیان شده است. این کتاب به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است.

روابط اجتماعی در اسلام: انسان و اجتماع، انسان و رشد اجتماعی او، پایه زندگی اجتماعی، آزادی در اسلام، مرز مملکت اسلامی و پیروزی دین حق در سراسر جهان عناوین این کتاب پراچ است.

عقاید و دستوره‌های دینی: تعریف دین، ارتباط با خدا و آثار آن، فطری بودن دین، تاریخ ادیان، پیامبران گذشته و انبیای اولوالعزم، دعوت رسول خدا و هجرت و جنگ‌های ایشان، امامت استمرار نبوت، ولایت و اهل بیت(ع) مباحثی اخلاقی برای خودسازی و جامعه‌سازی، مباحثی فقهی علمی و .. از مطالب این کتاب است.

بررسی‌های اسلامی: مجموعه‌ای است زرین از مقالات و رساله‌های استاد که همچون دایره‌المعارفی گران‌بها در علوم اسلامی نورافشانی می‌کند.

محاکات بین دو مکاتبات: نظرات مرحوم علامه طباطبایی پیرامون مجموعه مکاتبات عارف فرزانه مرحوم سیداحمد کربلایی به حکیم نامدار، مرحوم محمدحسین کمپانی غروی است.

لب‌اللباب: مجموعه درس‌های اخلاق استاد که در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۶۸ هجری قمری برای برخی از فضلاء حوزه علمیه قم بیان فرموده‌اند. (بوستان کتاب، ۱۳۸۱: ۴۲)

علاوه بر آنچه ذکر آن شد علامه رسائل متعددی را در نجف (رساله در برهان، رساله در مغالطه، رساله در تحلیل، رساله در ترکیب، رساله در نبوات و منامات، سنن النبی (ص)، رساله در اعتباریات و ...)، تبریز (رساله در اثبات ذات، رساله در اسماء و صفات، رساله در وسائط میان انسان و خدا، رساله انسان قبل

الدنیا، فی الدنیا، بعد الدنیا، رساله در ولایت، رساله در نبوت و سلسله الانساب طباطبائی‌ان آذربایجان) و قم (رساله در اعجاز و دو رساله در ولایت و حکومت اسلامی) تألیف نمودند و کتب بسیاری را در قم به رشته تحریر درآوردند: وحی یا شعور مرموز، حاشیه بر کفایه، حاشیه بر اسفار، علی و الفلسفه الالهیه و قرآن در اسلام.

لازم به ذکر است که علامه دارای ذوق هنری در رشته خطاطی (نستعلیق و شکسته) و سرودن شعر هم بوده اند. این ذوق و دوست داشتن هنر از یک سو، و از سوی دیگر تعمق فلسفی و کلامی علامه وی را تبدیل به یکی از علمای شاخص اسلام تبدیل کرده است.

## مفهوم دین

دین، از جمله موضوعاتی است که همواره توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است. از نظر لغوی از ریشه کلمه «دین» می‌تواند معانی گوناگونی افاده گردد.<sup>۱</sup> همان‌طور که در بیان مفهوم و تعریف آن نیز وحدت تفصیلی وجود ندارد. یکی از ادله اختلاف گسترده و فراوان در شناخت دین، این واقعیت است

۱. واژه دین گاهی از فعل در اصل متعدی (دَانَهُ، يَدِينُهُ)، گاهی از فعل متعددی به لام (دَانَ لَهُ) و نیز گاهی از فعل متعددی به باء (دَانَ بِهِ) گرفته می‌شود که با در نظر گرفتن اختلاف اشتقاق، معانی مختلفی به خود می‌گیرد. هرگاه می‌گوییم: (دَانَهُ دَيْنًا) منظور این است که بر فرد فرمانروایی کرد؛ وی را محکوم کرد؛ بر او چیره شد؛ او را محاسبه کرد؛ کار او را به انجام رسانید؛ وی را مجازات کرد؛ بدو پاداش داد. در این کاربرد، دین به معنای تصرف و فرمانروایی و به دنبال آن سیاست و چیرگی و محاسبه آمده است. کاربرد این معنا را می‌توان در آیه رو به رو یافت: (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ) مالک روز سزا و جزاست. در حدیث نیز آمده است: الكَيْسَ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ خَرَدَمَنْدَ كَسَى اسْتِ كِهْ نَفْسِ خَوْدِ رَا دَر كَنْتَرَلْ دَارِدْ. الدِّيَانُ نَيْزْ بَهْ مَعْنَايْ دَاوَرِ رَوْزِ جِزَاْ آمَدَهْ اسْتِ وَ يَكِيْ از نَامْهَایْ الهِيْ مِيْ بَاشَدْ.

چنانچه بگوییم: (دَانَ لَهُ) پیروی و فرمانبرداری و فروتنی را اراده کرده‌ایم، در معنا دین بر اطاعت و فروتنی و بندگی و تقوا اطلاق می‌شود، که ترکیب «دین الله» هر دو معنای پیروی از خدا و بندگی وی، را در خود گنجانده است. روشن است که این معنا، پیرو معنای نخستین است، از این رو (دَانَهُ قَدَانَ لَهُ) یعنی: او را وادار به فرمانبری ساخت، پس فرد نیز اطاعت را پذیرفت.

وقتی گفته می‌شود: (دَانَ بِالْشَيْءِ) یعنی کیش و آیینی را برگزیده است و بدان معتقد شده و خو گرفته است. در این جا دین، به معنای مذهب و تئوری آمده است. مذهب عملی هر فردی نیز اخلاق و رفتار اوست؛ چنانچه گفته می‌شود: (هَذَا دِينِي وَ دِينَتِي): این آیین و سلوک من است. ([www.topics/site/net.qaradawi.www](http://www.topics/site/net.qaradawi.www))

که هر یک از دانشمندان از زاویه ای به دین نگریسته و آن را مورد بررسی قرار داده است.

تعریف دین به دلایل و موانع فراوانی، دارای آفت‌ها و مشکلات بسیاری است. برخی از دلایل عبارتند از:

الف. اختلاف در روش‌شناسی تعریف دین: عده ای بر اساس پژوهش‌های تجربی و کارکردهای خارجی به تعریف دین پرداخته‌اند و برخی نیز با مفاهیم پیشینی و با روش عقلی دین را تعریف کرده‌اند. تعاریف مبتنی بر پدیدارشناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، از سنخ اوّل تعاریف به شمار می‌روند و تعاریف مفهومی نیز از سنخ دوم تعاریف می‌باشند.

ب. اختلاف در مصادیق دین، به عنوان ابزار شناخت ماهیت دین: عده ای از ابتدا مکاتب فلسفی و اجتماعی را نیز از مصادیق دین شمردند و بر این اساس، تعریف دین را با دامنه وسیعی عرضه کردند.

ج. خلط میان دین و دین‌داران: آنان که با روش تجربی و کارکردگرایی، اقدام به تعریف دین نموده‌اند، گاهی میان عملکرد دین‌داران با پی‌آمدهای دین تمایز قائل نشده‌اند و رفتارهای منفی دین‌داران را در تعریف دین گنجانده‌اند.

د. پرسش از درون دین یا برون دین: یکی دیگر از عوامل اختلاف در تعریف دین این است که عده ای برای وصول به حقیقت دین، مراجعه به وحی و متون دینی را پیشنهاد می‌دهند و از ابزارها و روش‌های برون دینی پرهیز می‌نمایند<sup>۱</sup> و گروهی نیز روش‌های برون دینی را ترجیح می‌دهند. علاوه بر اختلاف در متون دینی ادیان مختلف، تفاوت در مدل‌های عقلی در مکاتب فلسفی نیز به چالش

که واژه دین بیش از نود بار در قرآن آورده شده است.<sup>۱</sup> تعریف دین از نگاه قرآن (درون دینی) با توجه به این است از:

الف) دین به معنای جزا و پاداش: (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ) (فاتحه: ۴)، (إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ \* وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ) (ذاریات: ۶)؛

ب) دین به معنای اطاعت و بندگی: (قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُعْبِدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ) (زمر: ۱۱)؛

ج) دین به معنای مُلک و سلطنت: (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ) (بقره: ۱۹۳).

میان تعاریف دین می‌افزاید.

ه. به کار بردن مفاهیم مبهم و کیفی در تعاریف دین: پاره‌ای از نویسندگان، به جای روشن ساختن مفهوم دین، با به کارگیری مفاهیم پیچیده و مبهم‌تر از دین، بر ابهام این واژه می‌افزایند.

و. استفاده از تعاریف های لغوی و لفظی به جای تعاریف اصطلاحی: گروهی از متکلمان و دین‌شناسان برای تبیین دین، به معانی لغوی آن یعنی معنای اطاعت، جزا، خضوع، تسلیم و... رو آوردند و یا این که به فرهنگ‌های واژه‌ای دین (Religion) مراجعه کردند؛ در حالی که هیچ کدام از این روش‌ها به شناخت واقعیت و ماهیت دین کمک نمی‌کنند؛ به ویژه با توجه به این نکتهٔ زبان‌شناختی که الفاظ برای ماهیت و ذات اشیا وضع نشده‌اند. علامه به طور ویژه با تفسیر و فهم لفظی مخالف است. وی به تفسیر کارکردگرا<sup>۱</sup> بیش از سایرین اهمیت می‌داد. بدین ترتیب که وی در مراجعه خود به منابع، علی‌الخصوص قرآن اعتقاد به سریان و جریان یک روح کلی بر آن داشت. سور به صورت یک کل تمام معنا شده و کلمات در ارتباط با کل سوره و آیات دیگر تفسیر می‌شدند. قاعده مورد نظر ایشان بیان می‌کرد: «القرآن یفسر بعضه بعضاً» (همان: ۱۶۱) یا استناد به این حدیث حضرت علی (ع) که می‌فرماید: «ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض». (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۹)

ز. تأثیر پیش فرض‌های معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، هستی‌شناختی، جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها، بر تعریف دین: هیچ‌گاه فیلسوفان و متکلمین، ابتدا به ساکن، به تعریف دین اقدام نکرده‌اند و به طور عمده با مبانی خاصی به سراغ تبیین دین رفته‌اند و همین امر باعث اختلاف در تعاریف دین شده است.

ح. نداشتن مصداق محسوس و مادی برای دین: مشکل و مانع دیگری که در تعریف دقیق دین تأثیر باز دارنده دارد، این است که دین از مصداق محسوس و

1. Fonctionnell.



قابل اشاره حسی برخوردار نیست، گرچه مفاهیم دارای مصادیق حسی نیز از نداشتن تعریف جامع و مانع رنج می‌برند، ولی مفاهیمی که مصداق حسی ندارند، گرفتار ابهام بیشتری هستند. با این وجود عینیت بخشیدن به دین می‌تواند تا حدودی این مشکل را رفع کند چنان‌که علامه با احاطه به منابع دینی، تا حدودی این مشکل را با بهره‌گیری از تعریف و تفسیر کارکردگرا رفع کرد. (بوستان کتاب، ۱۳۸۱: ۱۶۱ و ۱۷۰)

ط. تحریف پاره‌ای از ادیان: بسیاری از ادیان در طول تاریخ حیاتشان، دست خوش تحریف به زیادت یا نقیصه شده‌اند و به همین دلیل به فرقه‌ها و مذاهب گوناگون تنوع یافته‌اند. گرچه حکمت الهی اقتضا می‌کند که از انحراف یا اعوجاج لااقل یک مذهب جلوگیری شود تا زمینه‌ی هدایت و تکامل بندگان از بین نرود، ولی به هر حال، تحریف متنی و معرفتی ادیان و مذاهب، از واقعیت‌های غیر قابل انکار است که در اختلاف تعریف دین نقش به‌سزایی دارند.

ی. نگرش جزء نگرانه به جای کل نگرانه: جهل به بخشی از حقیقت دین و توجه به جزئی از دین نیز در اختلاف شناخت دین مؤثر است و در این عامل می‌توان به داستان فیل در مثنوی معنوی ملای رومی توجه کرد.

آخرین نکته‌ای که باید قبل از ورود به بیان تعریف از دین، به آن پرداخت، دسته‌بندی تعاریف گوناگونی است که دین‌پژوهان با وجود این همه موانع در تعریف دین، عرضه کرده‌اند:

۱. تعاریف وجودی و ماهیتی، یا تعریف در مقام بایستی و تعریف در مقام هستی دین: برخی از دین‌پژوهان در تعریف دین، به مقام بایستی دین توجه کرده‌اند و مثلاً گفته‌اند: دین عبارت است از مجموعه‌ای از آموزه‌ها و گزاره‌هایی که از سوی خداوند در اختیار بشر قرار می‌گیرد. عده‌ای نیز به دین محقق و منزل در حیات اجتماعی انسان‌ها و یا دین نازل شده در کتاب و سنت توجه نموده‌اند؛ برای نمونه، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و مردم‌شناسانی که در پژوهش‌های دینی،

به رفتارها و نهادهای دینی و کارکردهای دین محقق در جامعه، عنایت بیشتری نشان می‌دهند؛ متکلمان در تعریف دین، به دین نازل شده در کتاب، سنت و متون دینی روی می‌آورند و فیلسوفان دین نیز به مقام بایستی آن توجه دارند.

۲. تعاریف لغوی و اصطلاحی.

۳. تعاریف درون دینی و برون دینی.

۴. یک ساختار کلی و فراگیر، به تعاریف مفهومی و ماهوی یا توصیفی، (Descriptive)، اخلاقی و ارزشی یا هنجاری (Normative)، تعاریف کارکرد گرایشی (Functional) یا روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، تعاریف غایت‌گرایانه، تعاریف مرکب و مختلط یا عام و جامع نگر تقسیم می‌شود.

برخی تعاریف‌ها، به ماهیت و حقیقت دین به عنوان مجموعه‌ای از قضایای اعتباری نظر دوخته است؛ گروهی با توجه به آثار و نتایجی که از دین انتظار می‌رود، آن را تعریف کرده‌اند؛ بعضی دین را احساسات و حالت روانی انسانهای دیندار و معتقد دانسته‌اند؛<sup>۱</sup> دسته‌ای کوشیده‌اند تا تعریف جامعی برای همه ادیان آسمانی و غیر آسمانی ارائه دهند؛ بعضی تنها ادیان آسمانی را بررسی کرده‌اند؛ گروهی بر عوامل هنجاری و ارزشی تکیه دارند؛<sup>۲</sup> و برخی به قواعد اخلاقی اجتماعات بشری برای ایجاد نظم اجتماعی، دین گفته‌اند.<sup>۳</sup>

۱. ویلیام جیمز دین را این‌گونه معرفی می‌کند که: «تأثرات و احساسات و رویدادهایی که برای هر انسانی در عالم تنهایی و دور از همه وابستگی‌ها روی می‌دهد، به‌طوری که انسان از این مجموعه پی به ارتباط خاصی با خدا می‌برد. و برای او احساس تعلق خاطر ایجاد می‌نماید.»؛ فروید دین را ابزار جبران رنج‌ها و محرومیت‌ها و ناراحتی‌های حاصل از زندگی می‌داند؛ و یونگ هم معتقد است که دین به انسان آرامش می‌آموزد. بخشد و راه‌های تحمل مشکلات را به انسان می‌ (انتظار بشر از دین: ۱۶)

۲. پنیگر معتقد است که بشر برای زندگی خود به یک سلسله ارزش‌های فراگیر نیاز دارد به علاوه آنکه دین «کوششی برای تبیین چیزهایی است که به صورت دیگری نمی‌توان آنها را تبیین کرد.» (انتظار بشر از دین: ۱۸)

۳. پیتر برگر دین را این‌گونه معرفی می‌کند که: «دین با معنا دادن به جهان نظم اجتماعی را ممکن می‌سازد تجربه اموری چون مرگ برای نظم اجتماعی امری جدی است. مفاهیم دینی ساختار موجه‌نمایی دارند. دین اموری چون مرگ، جنگ و شورش اجتماعی، بلاهای طبیعی، رنج و سایر شرور را با توجیه‌های خود برای بشر معنا دار می‌سازد.» (انتظار بشر از دین: ۱۹)

## ماهیت و حقیقت دین از نگاه علامه

علامه طباطبایی (ره) در آثار خویش، تعریف‌های گوناگونی از دین ارائه نموده است. ایشان در تعریف و شناسایی دین؛ گاه به معرفی آن به صورت عام و کلی که همه ادیان اعم از آسمانی و غیر آسمانی را در برگیرد نظر دوخته، و زمانی تنها به معرفی ادیان آسمانی پرداخته است. در آثار ایشان با دو تعریف مختلف از دین رو به رو می‌شویم:

### الف) ماهیت نوعی دین

در نظر علامه طباطبایی نسبت به مسئله دین و پذیرش آن دو پیش فرض وجود دارد:

انسان در زندگی خود همواره در پی رسیدن به سعادت، خوشبختی و کامروایی است؛ و جز رسیدن به آن هدفی ندارد. از سوی دیگر فعالیت‌های انسان هرگز بدون طرح و برنامه انجام نمی‌پذیرد.

از این رو برای رسیدن به خوشبختی، ناگزیر از پیمودن راهی مناسب و به کار بستن قوانین و مقرراتی ویژه است. قوانین و سنت‌هایی را که انسان برای رسیدن به خوشبختی در زندگی اجتماعی خود از آن‌ها پیروی می‌کند، به نوع اعتقاد و بینش وی درباره واقعیت هستی، انسان و جامعه به عنوان جزئی از جهان هستی وابسته است و اختلاف در جهان‌بینی، سبب بروز اختلاف در سنت‌های اجتماعی می‌گردد. در قرآن کریم، به هر گونه راه و رسم، قوانین و مقرراتی که انسان زندگی اجتماعی خود را بر اساس آن استوار نماید، دین گفته می‌شود. از این رو، دین حقیقتی فراگیر و عام دارد که هیچ‌یک از افراد انسان، حتی منکران خداوند، از آن بر کنار نیستند. بنابراین «دین» روش عملی زندگی فردی و اجتماعی در این جهان بر مبنای اعتقاد درباره جهان و انسان به عنوان یکی از اجزا آن است، اعم

از این که این روش از راه نبوت و وحی گرفته شود یا از راه وضع قراردادهای بشری. (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۵۷)

### ب) ماهیت واقعی دین

هر چند دین مجموعه قوانینی است که انسان زندگی فردی و اجتماعی خود را برای رسیدن به خوشبختی بر اساس آن تنظیم می‌کند، ولی چنین نیست که هر دینی بتواند انسان را به سعادت و خوشبختی واقعی و حقیقی برساند. از این جاست که ادیان، به ادیان حق و باطل تقسیم می‌شوند. البته نظام لیبرال معتقد است که مکاتب لیبرال وارد حریم خصوصی افراد نمی‌شوند ولی در عمل و بعد از اتفاقات ۱۱ سپتامبر، قوانین کشورهای لیبرال (ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه با وضع قوانین ضد تروریستی، امنیت ملی و ...) وارد شخصی‌ترین حریم افراد شده و اقدام به سازمان‌دهی و جاسوسی می‌نمایند. در نتیجه قوانین قرن بیست و یکم در هر دو حوزه فرد و جامعه وارد شده‌اند.

الف) دین بر حق که ادیان الهی اصیل هستند؛

ب) دین باطل که غیر الهی و یا تحریف شده هستند.

از دیدگاه علامه طباطبایی، دینی بر حق است و می‌تواند سعادت و خوشبختی انسان را تأمین کند که از سوی خداوند وضع گردیده باشد؛ چراکه همه موجودات جهان در هستی خود هدف و غایتی دارند که از نخستین روز آفرینش، از مناسبترین و نزدیکترین راه به سوی آن در حرکت‌اند و در داخل و خارج وجود خویش، به تمام لوزمی که برای رسیدن به هدف به آن نیازمندند، مجهز هستند. انسان نیز به عنوان جزئی از جهان هستی از این قانون برکنار نیست، بلکه تجهیزات و قوای وجودی او، بهترین دلیل بر آن است که وی نیز همانند دیگر موجودات، هدفی متناسب با تجهیزات و ساختمان وجودی خویش دارد و سعادتش در گرو رسیدن به آن هدف است.

ویژگی‌های دین حق عبارتند از:

مبتنی بر فطرت و طبیعت انسان؛ عدم توانایی عقل و خرد انسان در درک راه کامیابی و سعادت وی.

بنابراین تنها قانون و راه رسم زندگی، قانونی است که آفرینش ویژه انسان و جهان که انسان از اجزا تفکیک ناشدنی آن است، وی را به سوی آن هدایت کند، نه آنچه از عواطف و احساسات فرد و جامعه سرچشمه می‌گیرد، و تنها دینی که می‌تواند سعادت انسان را تضمین کند، دینی است که امیال و قوای متضاد وجود انسان را تعدیل نماید، زمینه رشد و تکامل همه آن‌ها را در حدی که مزاحم دیگر قوا نباشد فراهم سازد، در وجود انسان عقل را بر خواسته‌های نفسانی و احساسات و عواطف مخالف با عقل حاکم کند و در جامعه نیز مصلحت واقعی مردم را در نظر گیرد، نه نفع افراد قدرتمند و مستبد را، و نه خواست اکثریت را، هر چند مخالف حق و مصلحت جامعه باشد. خلاصه آن‌که تنها مقررات و قوانینی در زندگی می‌تواند انسان را سعادت‌مند کند که از راه آفرینش (مبتنی بر فطرت و طبیعت) برای وی مشخص گردیده باشد و علل و عوامل درونی و بیرونی انسان را به انجام آن دعوت نماید.

معنای این‌که مجموعه شرایط درونی و بیرونی انسان را به انجام آن دعوت نماید، این است که خداوند آن را خواسته باشد و به آن فرمان دهد؛ زیرا خداوند چیزی را می‌خواهد و اراده می‌کند که علل و شرایط تحققش را به وجود آورده باشد. خداوند متعال گاهی علل و شرایط وجودی آنچه را اراده کرده، به گونه‌ای فراهم می‌کند که پیدایش جبری آن را به دنبال داشته باشد و خواست و اراده دیگری در آن دخالت نداشته باشد. (اراده تکوینی)، و زمانی وجود چیزی را به گونه‌ای اراده می‌کند که انسان آن را با اراده و اختیار انجام دهد (اراده تشریحی).

نهایت آن‌که انسان در زندگی هدفی دارد؛ سعادت زندگی که باید در راه به دست آوردن آن در طول زندگی تلاش و کوشش نماید و این فعالیت بدون برنامه نتیجه‌بخش نخواهد بود و این برنامه را نیز باید از کتاب فطرت و آفرینش

خداوند و به عبارت دیگر از تعالیم الهی فرا گرفت. (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۶-۱۰)

در واقع این نظر علامه و توجه در سایر عباراتی که به کار می‌برد نظریه فطری بودن را عنوان می‌کند به این معنا که علامه با پشتوانه نظریه‌ای خداگرایانه به دین، انسان را فطرتاً خداجو و خداپرست می‌داند. ادله علامه در این جا بیشتر مستند به کتاب و روایات است و از این حیث فطری بودن دین را درون دینی تحلیل می‌نماید ولی همه این تحلیل‌ها درون دینی نیست و از استدلال‌ها بیرون دینی نیز استفاده شده است. به علاوه مهم این جاست که علامه هرگز دچار خلط پیش گفته میان دین و دینداران در این نظریه نشده است. (قائم‌نیا، ۱۳۷۹: ۸۰-۱۷۸)

دلیل دیگر بر لزوم گرفتن برنامه زندگی اجتماعی و دین از راه وحی این است که بشر در دوره‌های گوناگون زندگی خویش همواره در آرزوی قانونی بوده تا جهان بشریت را بدون تبعیض به نیکبختی برساند. بدیهی است عقل و خرد انسان، تاکنون به درک چنین قانون مشترکی که همه عقلاء بر آن اتفاق نظر داشته باشند و بتواند سعادت انسان را تأمین کند، دست نیافته است. در حالی که اگر آفرینش انسان تنظیم قانون سعادت بشریت را به عهده خودش نهاده بود، باید در این مدت طولانی بدان دست می‌یافت؛ بلکه لازم بود همه آحاد مردم که از عقل و خرد برخوردارند، آن را درک می‌کردند، همان‌گونه که هر عاقلی لزوم چنین قانونی را برای سعادت بشریت درک می‌کند.

بنابراین، عقل و خرد انسان را از درک قانون سعادت و تنظیم برنامه خوشبختی خویش عاجز و ناتوان است و از آن جا که همه عقلاء به ضرورت وجود چنین قانونی اذعان دارند، ناگزیر در کنار عقل، دستگاه درک کننده دیگری باید وجود داشته باشد که وظایف واقعی انسان را به او بفهماند و این جز وحی و نبوت چیز دیگری نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۳۳ و ۱۳۵)

بر اساس آنچه گذشت، ادیان به الهی و غیر الهی تقسیم می‌شوند. علامه طباطبایی ادیان الهی را چنین معرفی می‌کند: «دین، مجموعه‌ای مرکب از معارف

درباره مبدأ و معاد و قوانین اجتماعی از عبادات و معاملات است که از طریق وحی و نبوت گرفته شده است.» (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۷: ۱۵ و ۸)

ایشان در جای دیگر، دین را با توجه به آثار و نتایجی که برای انسان در پی دارد، این گونه معرفی می‌کند: «دین، نحوه سلوک در زندگی دنیاست که صلاح دنیا را در بر دارد. به گونه‌ای که با کمال اخروی و حیات جاودانه حقیقی نزد خداوند، هماهنگ و همسو باشد. از اینرو، دین باید به قوانین زندگانی دنیوی و وضعیت معیشت به مقدار نیاز بپردازد.» (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۳۰) نیز اضافه می‌کند: «دین جز روش زندگی و راهی که انسان باید بیامد تا در زندگی خوشبخت و سعادت‌مند گردد، چیز دیگری نیست.» (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۱۶: ۱۷۸)

از منظر علامه طباطبائی، ادیان الهی، معیار و میزان شناخت عقاید و اعمال صحیح از باطل و یگانه راه تضمین کننده سعادت و خوشبختی فردی و اجتماعی انسان است: «دین همان چیزی که بوسیله آن، عقاید و اعمال افراد انسان سنجیده می‌شود و همان چیزی است که خوشبختی فردی و اجتماعی انسان بدان وابسته است.» (طباطبائی، ۱۳۶۱، ج ۱۹: ۱۷۱)

ادیان الهی بر سه اصل کلی و اساسی توحید، نبوت و معاد استوارند و تنها چهار دین یهودیت، نصرانیت، مجوسیت و اسلام را در بر می‌گیرد و دیگر ادیان، ارزش دین واقعی را ندارند که بتواند سعادت انسان را تضمین کند. (طباطبائی، ۱۳۶۰: ۹)

ادیان الهی و آسمانی، از حقیقت و ماهیت یکسانی برخوردارند و اختلاف آن‌ها تنها در کمال و نقص است. از آن‌جا که نوع انسان و جامعه بشری با گذشت زمان به سوی تکامل در حرکت است، ادیان آسمانی نیز به مقتضای نیازهای بشر و میزان درک وی، با گذشت زمان از شکل ساده و بسیط مدارج کمال را پیموده‌اند و از آن‌جا که زندگی جامعه انسانی در این جهان ابدی نیست و تکامل وی نامتناهی نخواهد بود، ناگزیر کلیات و ظایف انسانی از جهت اعتقاد و عمل در

مرحله‌ای متوقف خواهد شد. از این رو نبوت و شریعت نیز روزی که از جهت کمال اعتقادات و توسعه مقررات عملی به آخرین مرحله رسید، ختم خواهد گردید. بر این اساس، اسلام آخرین و کامل‌ترین ادیان و حضرت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) آخرین پیامبر است. علامه طباطبایی می‌گوید: «دین نزد خداوند متعال یکی است و اختلافی در آن نیست. خداوند بندگانش را جز به آن امر نکرده، و در آنچه برای پیامبرانش فرستاده جز آن را بیان ننموده، و نشانه‌های هدایتگر را جز برای آن قرار نداده است و آن اسلام است که همان تسلیم شدن در برابر حق - اعتقاد و اعمال حق می‌باشد. به بیان دیگر، تسلیم شدن در برابر بیان صادر از مقام ربوبی در معارف و احکام است. هرچند از نظر کمیت و کیفیت در شریعت‌های پیامبران متفاوت است، ولی همگی از حقیقت یگانه‌ای برخوردار هستند و تنها در کمال و نقص با یکدیگر اختلاف دارند، نه این که با هم متضاد و منافی باشند. ادیان آسمانی در درجات بر یکدیگر برتری دارند و جامع همه آن‌ها؛ تسلیم و اطاعت از خداوند است، در آنچه از بندگانش بوسیله پیامبران خواسته است.» (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۳: ۱۲۰ و ۱۲۱) مرحوم علامه می‌فرمایند: «اسلام در لغت به معنای تسلیم و گردن نهادن است. قرآن کریم دینی را که به سوی آن دعوت می‌کند، از این رو اسلام نامیده است که برنامه کلی آن، تسلیم انسان در برابر خداست.» (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴: ۱۲)

#### ساحت فرا شخصی دین

این که دین را بیش از اخلاقیات و باورهای قلبی بدانیم ما را وارد حوزه‌ای از الزامات به معنای «بایدها و نبایدها» می‌کند.

الف) ورود دین به جامعه



علامه دین را برای ایجاد سعادت فردی و اجتماعی لازم می‌داند. به این ترتیب که وی سعادت فرد را خارج از جامعه ممکن نمی‌داند. ایشان با تأکید بر این که دین اسلام را دینی عقل محور و غایت‌گرا است عنوان می‌دارد: «... اسلام دینی است که احکامش را بر اساس ویژگی‌های انسان و در راستای ارضای غرایز و فطریات وی بنیان نهاده و در عین حال، در تنظیم و پی‌ریزی احکام و قوانینش «عقل محور» است و احساسات و عواطف را بر آن اساس مورد توجه قرار می‌دهد... اسلام به جامعه بشری نمی‌گوید من خیر و صلاح شما را در پیروی از دعوت من و به کار بستن مواد آن می‌بینم، شما نیز به تشخیص من ایمان آورده و آن را بپذیرید، بلکه می‌گوید از هوس‌بازی و خرافه‌پرستی دست بردارید، آنچه را واقعاً و حقاً صلاح و خیر جامعه شما در آن است و به حسب فطرت خدادادی، خیر و صلاح بودن آن را درک می‌کنید و تشخیص می‌دهید، به کار بندید و بالاخره اسلام، اعتقاد حق و عمل حق است، نه اسم یک سلسله اعتقادات و اعمال که کورکورانه بایست به حقانیت آن‌ها ایمان آورد...» اسلام می‌گوید: «حق این است که دنیا برای انسان خلق شده، نه انسان برای دنیا. در این صورت انسان، اول باید ذات خود را بشناسد و با نیروی تعقل و واقع‌بینی، صلاح خود و جامعه خود را تشخیص دهد، سپس دست به کار بزند، نه این که به هر جلوه فریبنده‌ای دل باز و خود را فراموش کند، تسلیم سیل عواطف شود و اختیار مقصد حقیقی را از دست بدهد؛ زیرا انسان جزء دستگاه عظیم آفرینش است و هیچ‌گونه استقلالی ندارد و در نتیجه راهی را باید در پیش گیرد که سیر دستگاه آفرینش برایش نشان می‌دهد.»

علامه برای اثبات نقلی این استدلال به آیات متعدد قرآن اشاره می‌دارد که مخاطب خود را برای هدایت و سعادت جامعه و نه فرد (و البته متضمناً) معرفی کرده است: «إن هذا القرآن یهدی للتی هی أقوم». (اسراء: ۹) (طباطبائی، ۱۳۸۰: ۵ - ۱۴)

## ب) ورود دین به حکومت

علامه حکومت را مستلزم اجرای دین در معنای کامل خود می‌داند. بر اساس نظر وی و با استناد به حکومت علوی و نبوی علامه، تحقق دین را وابسته به نوع حکومت می‌داند. وی پا از این مسئله فراتر گذاشته و حاکمیت را هم ملزم به همراهی می‌داند.

تأکید علامه بر قوانین اسلامی بیانگر آن است که ایشان دینی بودن حکومت را لازمه تحقق سعادت جامعه و فرد می‌داند. وی منبع قوانین اسلامی را قرآن می‌داند چراکه قرآن تبیان لکل شی است و به همین دلیل متضمن اصول اخلاقی، اعتقادی و عملی (اجتماعی و فردی) است. (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۵ - ۱۴)

تأکید علامه بر لزوم قانون و محتوای آن و مهمتر از این دو، ضمانت اجرای قانون اسلامی مبین انتظاری است که علامه از کارکرد دین در حکومت به عنوان محور قدرت عالی در نظر دارد. این انتظار غایتش همان سعادت است چنان‌که علامه در لزوم قانون تبیین می‌کند: اگر چه انسان اضطراراً در مقام برخورد با هموعان خود اجتماع تعاونی را پذیرفته و بدین وسیله در حقیقت برخی از آزادی عمل خود را برای نگهداری برخی دیگر فدا نموده است ولی مجرد بناگذاری به اجتماع تعاونی با وجود عدم تعادل و تفاوت فاحش که در مقام موازنه در نیروی روحی و جسمی افراد است دردی را دوا نمی‌کند و در اثر برخورد منافع افراد همین اجماع که برای اصلاح و رفع اختلاف به وجود آمده بود اولین سبب بروز فساد و اختلاف می‌شود. اینجاست که ضرورت یک سلسله مقررات مشترکی میان مجتمعیین مسلم و مورد احترام باشد کاملاً حس می‌شود، زیرا بدیهی است که حتی در یک معامله داد و ستد ناچیزی هم اگر مقررات مشترکی که پیش فروشنده و خریدار مسلم و محترم وجود نداشته باشد معامله تحقق نمی‌پذیرد، پس باید در میان افراد قوانینی به وجود آید که با جریان آن اجتماع از متلاشی شدن و منافع افراد از ضایع شدن محفوظ و مصون بماند و دستگاه آفرینش که هدایت انواع

به سوی هدف و سعادتشان جزء برنامه اوست انسان را نیز به سوی قانونی که سعادت جامعه را تضمین می‌کند هدایت نماید. خدای متعال می‌فرماید: «من نطفه خلقه فقدره ثم السبیل یسره». (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۰۸)

### نتیجه‌گیری

گوهر دین از نظر علامه طباطبایی عبارت است از روش و آیینی (از باورها، اخلاقیات و احکام) که انسان (فرداً و جمعاً) را به سعادت می‌رساند و چون تنها عقل انسان نمی‌تواند وی را به سعادت برساند پس نیاز به روش و آیینی است که انسان را از آنچه نمی‌داند بر اساس قواعدی معین قلبی و عملی راهنمایی و به سوی سعادت دنیوی و اخروی رهنمون سازد. ایشان صراحتاً در کتاب قرآن در اسلام بیان می‌دارند: «لا یهدف الانسان من حیاته الا السعادة والهناء والوصول إلى الأمانی التي یتمنهاها». به این ترتیب برای رسیدن به سعادت انسان در هر دو وجه زندگی فردی و اجتماعی علی‌الخصوص در حوزه عمومی، می‌بایست قواعد و اصول دین راستین اسلام حاکم باشد. این قواعد بر اساس نیازهای واقعی و فطرت انسان تنظیم شده و عاری از هرگونه انحراف و اشتباه برای رساندن انسان به تمامی ظرفیت‌های وجودی و دستیابی به کمال انسانی است. به این ترتیب حقوق عمومی جنبه اجتماعی احکام اسلامی را جهت تحقق و اجرایی شدن برای دستیابی به سعادت و ربوبیت تأمین می‌کند و البته حق عبودیت و فردیت را نیز تضمین می‌نماید.

## منابع

- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۸۴). *مبانی نظری مقیاس‌های دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- خلیلی، مصطفی (۱۳۸۲). *اندیشه‌های کلامی علامه طباطبایی*، تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی.
- زواره، غلامرضا (۱۳۸۳). *جرعه‌های جانبخش*، قم، موسسه انتشارات حضور.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۱). *تفسیر المیزان*. تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰). *ظهور شیعه*، تهران، فقیه الست.
- \_\_\_\_\_ (بی تا). *شیعه فی الاسلام*، تهران، موسسه البعثه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *شیعه در اسلام*، قم، موسسه بوستان کتاب قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۸). *شیعه، خسروشاهی*، سید هادی خسروشاهی و علی احمدی، تهران، مؤسسه انتشارات رسالت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۱). *تاریخ قرآن*، تهران، شرکت نشر فرهنگ قرآن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *قرآن در اسلام*، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم، مؤسسه بوستان قم، چاپ چهارم.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۷۹). *درآمدی بر منشاء دین*، قم، معارف.
- مؤسسه بوستان کتاب قم (۱۳۸۱). *مرزبان وحی و خرد: یادنامه مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی قدس سره*، قم، مؤسسه بوستان کتاب قم.
- مؤسسه مطالعه و تحقیقات فرهنگی (۱۳۶۲). *یادنامه علامه طباطبایی*، تهران، صبح امروز.
- نصری، عبدالله (۱۳۸۷). *انتظار بشر از دین*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.